تماشاخانه

امنیت شغلی هنرمندان تهدید می‌شود

قطب‌الدین صادقی
مدرس تئاتر و کارگردان

بی‌مقدمه بگویم در دولت تدبیر و امید آقای روحانی انتظارات اولیه فعالان و دوستداران هنر نمایش هنوز برآورده نشده است و کمبود کار و نبود امنیت شغلی همچنان آینده این هنر و هنرمندان آن را تهدید می‌کند؛ زیرا شرایط خلق و تولید هنر نمایش - که بحرانی بود- از آغاز دولت تدبیر و امید، بحرانی‌تر شده است. در اینجا به‌دلیل محدودیت جا تنها به سه‌مورد آن اشاره می‌کنم و بحث درباره سایر ابعاد آن را نمی‌گذارم برای وقتی و جایی دیگر.

۱- بحران اول نبود توسعه است. حتی بسیار بدتر از افت چشمگیر «کیفیت» آثار نمایشی - که روزبه‌روز سطحی‌تر و نامید کننده‌تر می‌شوند- اینک این «کمیت» امکانات است که در وهله اول برای همه مشکل‌آفرین شده است زیرا از سوی نهادهای فرهنگی و هنری، متناسب با رشد جمعیت، تحول اجتماعی و پیشرفت زمانه، توسعه چندانی صورت نمی‌گیرد و دستگاه‌های اجرایی آطور که لازم است احساس نیاز و مسوولیت نمی‌کنند برای نمونه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در سی‌وچندسال اخیر در تهران نبود دو تالار «حافظ» و «فردوسی» به رشته‌های پیشین خود در قبل از انقلاب افزوده است و اینک با ۱۲میلیون جمعیت ایشان دارای هفت‌تالار نمایشی است. (شهر، وحدت، سنگلج، هنر، محراب، حافظ و فردوسی). در اینجا اگر بخواهیم از پاریس و لندن و برلین مثال نیاوریم و به همین «قاهره» همتای خود که ۱۴۰تالار نمایشی دارد نگاهی بیندازیم، باید گفت واقعا از کاروان عقب مانده‌ایم و به گفته منتقدان «حرفی برای گفتن نداریم»

این وضعیت در شرایطی بحرانی‌تر به‌نظر می‌رسد که دریاییم هم‌اکنون ۱۸دانشکده هنرهای نمایشی (با هزار فارغ‌التحصیل در سال) داریم و از سه‌هزار آموزشگاه آزاد هنری ۷۰۰تای آنها ویژه تربیت بازیگر و کارگردان تئاتر است به این ترتیب سالانه هزاران نیروی جوان و مشتاق به بازار کار وارد می‌شوند یعنی آنکه وزارت ارشاد کمترین امکاناتی برای تولید، تجربه یا ابراز وجود و هنر آنها در نظر گرفته باشد.

نتیجه مستقیم این بی‌توجهی، از سویی رقابت غیرانگیز و به دور از ارزش‌های اخلاقی گروه‌ها برای به‌دست‌آوردن حتی سالنی کوچک است که به اشکال گوناگون: تعلق، رشوه، بادمداری و بدتر از همه «سفارش‌پذیری» هر روز بیشتر خود را به رخ می‌کشد و از سوی دیگر بیکاری تحمیلی و هزرفتن بهترین نیروهای کارکشته و حرفه‌ای ماست. به‌گویه‌ای که تا پیش از این، هر کارگردان حرفه‌ای سالی یک‌بار تالاری در تئاترشهر نصیبش می‌شود، اما الان حتی در فاصله زمانی سه‌سال هم غیرممکن است پایش به آنجا برسد، نتیجه مستقیم این محدودیت و اهمال، علاوه بر خلأ فرهنگی (که جا را برای «سریال‌های مبتذل ماهواره‌ای بازمی‌گذارد)، فقر مادی و معنوی هنرمندان حرفه‌ای و تولید آثار نمایشی است.

۲- بحران دوم نبود سرمایه مناسب برای تولید یا عدم حمایت کافی دولت برای دفاع از آثار بالاکیفیت است. در همه‌جای دنیا بخشی از بودجه دولت به صورت یارانه صرف تولید آثار فاخر و خدگرایی می‌شود که متاسفانه در ایران چنین نیست